

## بررسی زمینه های سیاسی و اجتماعی قدرت یابی رضاشاه

دکتر فواد پور آرین<sup>۱</sup>

علی اصغر رجبی<sup>۲</sup>

### چکیده

دوران پس از انقلاب مشروطه از ۱۲۸۵ش. تا به سلطنت رسیدن رضا شاه در سال ۱۳۰۴ش. از مهم ترین و تأثیرگذارترین سال ها در تاریخ معاصر ایران است. در این دوران سراسر آشوب و درگیری، جامعه ی ایران متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی جهانی، ناخواسته درگیر جنگ جهانی اول شد. جنگی که جز ویرانی و نابودی دستاوردی دیگر برای ایرانیان نداشت. سال ها آشوب و درگیری، آن چنان تأثیر مخربی بر جامعه ی ایران داشت که همگان در پی ایجاد امنیت و آرامش بودند. در این شرایط عنصر جدیدی در ساختار قدرت ایران ظاهر شد و با طی کردن پله های ترقی به سرعت از قزاقی گمنام به شاه ایران تبدیل شد. مقاله این مسأله را مورد توجه قرار می دهد که شرایط و زمینه های سیاسی و اجتماعی مؤثر در قدرت گیری رضاخان تحت تأثیر چه عواملی بوده است؟ در این نوشتار نشان داده می شود که دولت انگلستان در تشکیل حکومت پهلوی نقش داشت و رضا خان با تظاهر و عوام فریبی موفق به کسب حمایت عامه مردم، برخی روحانیون و روشنفکران شد و سرانجام در آبان ۱۳۰۴ سلطنت را از قاجار به پهلوی انتقال داد.

واژگان کلیدی: کودتای ۱۲۹۹، رضاخان، مجلس شورای ملی، انقراض قاجاریه.

---

۱. عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی.  
۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خوارزمی.  
تاریخ دریافت: ۱/ ۱۱/ ۱۳۹۱، تاریخ پذیرش: ۳/ ۱۲/ ۱۳۹۲

پس از پیروزی انقلاب مشروطه علیرغم تحقق برخی از خواست های انقلابیون چون تشکیل مجلس و برقراری قانون، اوضاع آن گونه که باید پیش نرفت. حکومت مشروطه از قدرت و توانایی لازم برای اداره کشور برخوردار نبود، مدعیان قدرت در هر گوشه از کشور سر برآورده بودند و فقدان نیروی نظامی کار آمد، نظم و امنیت را در کشور به شدت تحت تأثیر قرار داده بود. دولت مرکزی جز در تهران و نواحی اطراف آن قدرت نداشت و نمی توانست برای برقراری امنیت در کشور اقدامی انجام دهد، هرج و مرج و آشفتگی ها در کشور با شروع جنگ جهانی اول و ورود نیروهای خارجی به ایران شدت بیشتری یافت.

در سال ۱۲۹۴ ش / ۱۹۱۵ م نیروهای متخاصم از هر طرف به خاک ایران وارد شدند، دولت ایران که از همان ابتدا در جنگ اعلان بی طرفی کرده بود، قادر نبود در برابر این تجاوزات کاری صورت دهد. دخالت های خارجی و اختلاف میان گروه های سیاسی داخلی باعث شد تا در زمان ریاست الوزرایی مستوفی الممالک عده ای از مخالفان دولت های روسیه و انگلیس به همراه تعداد زیادی از نمایندگان مجلس شورای ملی از تهران خارج شوند. آن ها ابتدا به قم و سپس کرمانشاه رفتند و در آن جا با کمک دولت های آلمان و عثمانی دولت کشور حمله ور شدند. اگرچه مهاجرین در تلاش برای حفظ استقلال ایران بودند اما اقدامات آنان نه تنها موفقیت آمیز نبود بلکه با تحریک دولت های روسیه و انگلیس و ایجاد چند دستگی میان سیاسیون ایران بر وخامت اوضاع نیز افزود. (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ۱۲۹). سرانجام پس از چهار سال، جنگ جهانی اول با شکست آلمان و عثمانی به پایان رسید. ایران که با توجه به موقعیت مهم جغرافیایی خود و حضور نیروهای بیگانه نا خواسته درگیر این جنگ شده بود، پس از پایان جنگ نه تنها سودی نبرد بلکه دولت های پیروز حتی به نمایندگان ایران، که در



جریان جنگ متحمل خسارات فراوان اقتصادی و اجتماعی شده بود، اجازه حضور در کنفرانس صلح ورسای را نیز ندادند(مکی، ۱۳۶۲، ۱۰۲).

## ایران پس از جنگ اول جهانی

دوران پس از جنگ جهانی اول یکی از آشفته ترین و بی ثبات ترین دوره های تاریخی ایران بود، احمد شاه، جوان و کم تجربه بود و تمایلی به امور سیاسی نشان نمی داد، دولت های مشروطه که قدرت و توانایی لازم را در اختیار نداشتند یکی پس از دیگری روی کار آمده و به سرعت تغییر می کردند. قدرت در اختیار معدودی از سیاستمداران دست به دست می شد، امنیت داخلی از میان رفته بود، نیروی نظامی منسجم و کارآمدی در کشور وجود نداشت. اوضاع اقتصادی بسیار نامناسب بود و مردم در نهایت فقر و ناامیدی زندگی می کردند و حضور نیرو های بیگانه در نقاط مختلف کشور، استقلال ایران را به شدت تحت الشعاع قرار داده بود.(زرگر، ۱۳۷۲، ۶۰).

با توجه به خلاء قدرتی که در این زمان در ایران وجود داشت برخی از نیرو های انقلابی در نقاط مختلف کشور چون گیلان و آذربایجان قدرت گرفتند و در برابر دولت مرکزی قد علم کردند و زمزمه های مبنی بر استقلال و جدایی این مناطق به گوش می رسید. در سایر نقاط چون کردستان، خوزستان و بلوچستان، ایلات و طوایف با استفاده از ضعف دولت مرکزی، در صدد احیای قدرت خود بودند و مانعی جدی برای ایجاد دولت متمرکز و قدرتمند در ایران به شمار می آمدند(آبراهامیان، ۱۳۷۷، ۱۲۹). دولت هایی که در تهران روی کار می آمدند همواره با مشکلات شدید مالی مواجه بودند و تشکیلات اداری، کارآیی چندانی نداشت.(زرگر، همان جا) اگر چه در زمان ریاست الوزرایی وثوق الدوله و مشیرالدوله، اقدامات مناسبی برای سرکوب اعتراضات



و شورش‌ها و اصلاح امور کشور انجام گرفت اما به علت عمق و تعدد مشکلات به برقراری نظم و امنیت داخلی منجر نشد. (بهار، ۱۳۵۷ جلد دوم، ۲۳)

در چنین اوضاع آشفته‌ای برقراری امنیت و ثبات در ایران به آرزویی دست نیافتنی تبدیل شده بود. افراد آزادیخواه، وطن پرست در تلاش بودند تا زمینه مناسبی برای ایجاد دولتی مقتدر و متمرکز فراهم سازند تا با ایجاد تغییرات اساسی در زمینه‌های اداری، ایجاد امنیت و رونق تجارت و کشاورزی در کشور، زمینه رشد و رفاه جامعه را فراهم سازند. از سویی دیگر پیروزی انقلاب بلشویکی در روسیه، شکل‌گیری قیام‌های ضد انگلیسی در آذربایجان و گیلان و حمایت دولت جدید روسیه از آن‌ها، منافع سیاسی و اقتصادی انگلیس را در ایران به شدت در معرض خطر قرار داده بود و امکان داشت به علت نبود نیروی بازدارنده‌ی داخلی و آشفتگی اوضاع اجتماعی و اقتصادی، زمینه‌ی مناسبی برای نفوذ و گسترش افکار کمونیستی در ایران و به تبع آن در سایر نقاط آسیا به خصوص هند فراهم شود.

### کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹

دولت انگلستان سعی داشت با اقداماتی اوضاع داخلی ایران را سر و سامان دهد و شرایط را برای حفظ منافع خود در ایران و منطقه فراهم سازد. آن‌ها ابتدا سعی کردند با انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ به این هدف برسند اما مخالفت‌های شدیدی که علیه این قرارداد در داخل و خارج از ایران و حتی در انگلستان ایجاد شد، زمینه شکست آن را فراهم آورد. (کاتوزیان، ۱۳۶۶: ۱۱۰). پس از این انگلیسی‌ها که ایجاد دولتی مقتدر و وابسته را تنها راه حفظ منافع خود در ایران می‌دانستند، سعی کردند با ایجاد کودتا، قدرت را در اختیار عناصر مورد اطمینان خود قرار دهند. (زرگر، ۱۶۱) برای رهبری سیاسی کودتا سید ضیاءالدین طباطبایی انتخاب شد و برای تأمین نیروی نظامی کودتا هم نیروهای قزاق در نظر گرفته شدند. زمینه‌سازی برای این کار از اواخر دولت



مشیرالدوله آغاز شد. ژنرال آبرون ساید با نیروهای قزاق مستقر در منطقه آق بابا تماس گرفت تا از میان آن‌ها فردی را برای رهبری نظامی کودتا انتخاب کند. (مکی، ۱۳۵۷: ۱۲۳) در ابتدا فردی به نام عبدالله خان طهماسبی مورد توجه انگلیسی‌ها قرار گرفت، اما او این مسأله را نپذیرفت، پس از آن یکی دیگر از افسران قزاق به نام رضا خان میر پنج موافقت خود را برای شرکت در کودتا اعلام کرد. (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۲۲۳)

رضا خان میر پنج پسر داداش بیگ از ایل پالانی بود، او در زمان شیر خوارگی پدر خود را از دست داد و مجبور شد همراه مادرش به تهران بیاید و در تهران در خانه دایی خود، ابوالقاسم بیگ از اعضای نیروی قزاق، ساکن شدند. رضا خان در پانزده سالگی بنابر توصیه دایی خود به عنوان سرباز پیاده وارد نیروهای قزاق شد. وی پس از مدتی به گروهان شصت تیر وارد شد، در این گروهان او پله‌های ترقی را طی کرده و به فرماندهی این گروهان انتخاب شد و به رضا خان شصت تیر معروف شد. (بهار، ۷۰) او همراه این گروهان در جنگ‌های مختلفی شرکت کرد، از جمله در جنگ علیه رحیم خان چلبیانلو در اردبیل همراه با سردار بهادر و پیرم خان و در جنگ علیه سالار الدوله و طوایف کلهر در غرب ایران همراه با شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما. (همان، ۷) در خلال جنگ جهانی اول رضا خان توانست از فرماندهی گردان پیاده در همدان به فرماندهی فوج تیراندازان همدان دست پیدا کند. (همانجا) با این سوابق او نشان داده بود که نظامی قابل است و ظرفیت‌های مناسبی برای انجام کودتا دارد. پس از انجام کارهای لازم در اول اسفند ۱۲۹۹ ش نیروهای قزاق با همراهی سید ضیاء به سمت تهران حرکت کردند و در اطراف تهران در منطقه شاه آباد مستقر شدند. (دولت آبادی، ۲۲۸)

در تهران وقوع کودتا قابل پیش‌بینی بود و کابینه سپهدار اعظم، یکی از ضعیف‌ترین و ناتوان‌ترین دولت‌های بعد از مشروطه در ایران، از وقوع آن آگاه بود. (زرگر، ۵۹)



احمد شاه و محمد حسن میرزای ولیعهد نیز از آن خبر داشتند، به آنان اطمینان داده شده بود که کودتا خللی در سلطنت شان ایجاد نمی کند و اقدامی در جهت ایجاد دولت مقتدر مرکزی و برقراری امنیت است. (دولت آبادی، ۲۲۴)

با توجه به آمادگی قبلی در پایتخت به ژاندارمری، نیروی محافظ شهر، دستور داده شد بدون هیچ گونه مقاومتی در برابر نیروهای قزاق تسلیم شوند. پس از ورود قزاق ها به تهران اگرچه درگیری های پراکنده ای صورت گرفت اما مقاومت جدی انجام نگرفت و نیروهای قزاق موفق شدند به سرعت بر شهر مسلط شوند. در نتیجه ی این اقدامات روز سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی احمد شاه طی فرمانی سید ضیاء الدین طباطبایی را به ریاست الوزرای ایران انتخاب کرد و رضا خان میر پنج نیز به فرماندهی «دیویزیون» قزاق منصوب شد. (مکی، ۲۳۳)

### ورود رضا خان به عرصه سیاست

اقداماتی که سید ضیاء در مقام ریاست الوزرای انجام داد، باعث شد تا دولتی کوتاه و مستعجل داشته باشد. او در مدت سه ماهی که قدرت را در اختیار داشت با رفتار نامناسب خود باعث آزدگی احمد شاه شد. وی از همان ابتدای کار در برابر بزرگان کشور قرار گرفت و فهرستی از اشخاص متنفذ و ثروتمند و با نفوذ چون فرمانفرما، نصرت الدوله، عین الدوله، وثوق السلطنه، محمد ولی خان تنکابنی، سید حسن مدرس و ... تهیه و آن را در اختیار رضا خان قرار داد تا آنان را دستگیر سازد. سید ضیاء در میان مردم هم جایگاه و نفوذی نداشت و همگان او را دست نشانده انگلیسی ها می دانستند. وی کوچک-ترین مخالفتی را علیه کابینه خود نمی پذیرفت و با سرسختی تمام، مخالفان خود را زندانی می کرد به طوری که پس از مدتی دولت مجبور شد با تبعید برخی از زندانی ها از تراکم بیش از حد در زندان ها جلوگیری کند. (همان، ۲۳۸) اما مهم ترین مشکل او بی توجهی به رضا خان بود، رضا خان که فرماندهی



نیروهای نظامی کودتا را بر عهده داشت در کابینه جدیدجایی پیدا نکرد و سید ضیاء، مسعود خان کیهان را که توانایی چندانی نداشت برای تصدی وزارت جنگ انتخاب کرد. اگرچه او پس از مدتی کنار گذاشته شد و رضا خان به سمت وزارت جنگ دست پیدا کرد اما این مسأله باعث اختلاف میان رضا خان با سید ضیاء شد. (دولت آبادی، ۲۴۵ - ۲۴۶)

با توجه به رویه ای که سید ضیاء در پیش گرفته بود پس از مدتی کوتاه مخالفت های گسترده ای علیه او شکل گرفت، او در داخل کشور از حمایت هیچ گروه خاصی برخوردار نبود و دولت انگلستان هم نتوانست آن گونه که باید از او حمایت کند. سرانجام در سوم خرداد ۱۳۰۰ شمسی سید ضیاء از ریاست الوزرایی عزل و به سرعت از کشور خارج شد. پس از او قوام السلطنه که در زندان سید ضیاء بود برای مدت کوتاهی به ریاست الوزرایی رسید و در سوم بهمن ۱۳۰۰ نیز مشیرالدوله جایگزین او شد. (هدایت، ۱۳۶۳: ۳۳۰) اگر چه عمر کابینه سید ضیاء بسیار کوتاه بود اما یک دستاورد مهم را به دنبال داشت و آن ورود رضا خان سردار سپه به عرصه سیاست ایران بود. او در تمامی کابینه های بعدی سمت وزارت جنگ را در اختیار داشت و توانست در سال ۱۳۰۲ شمسی به سمت ریاست الوزرایی نیز دست پیدا کند.

پس از شکست قرارداد ۱۹۱۹، دولت انگلستان خواهان ایجاد حکومت متمرکز و قدرتمندی در ایران بود تا هم از منافع انگلستان محافظت کند و هم مانع نفوذ شوروی و بلشویسم در منطقه بشود. (کاتوزیان، ۱۱۰) از سویی دیگر دولت نوپای شوروی نیز خواهان ایجاد ثبات در ایران بود تا در صورت تجاوز احتمالی نیروهای غربی به خاک شوروی برای سرکوب انقلاب بلشویکی، مرزهای ایران، محلی برای ورود نیروهای غربی به خاک شوروی نباشد. با توجه به اهداف مشترکی که این دو کشور در این برهه زمانی خاص درباره ایران داشتند در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ / ۸ اسفند ۱۲۹۹ ش، پیمان دوستی





میان دو کشور انگلستان و شوروی منعقد شد و در اواخر همان سال نیروهای شوروی از گیلان خارج شدند. مسئله ای که به شکست جنبش های مختلف ایران چون نهضت جنگل منجر شد، شکست این جنبش ها به قدرت رضا خان مشروعیت می بخشید و زمینه ایجاد حکومتی نظامی را در ایران فراهم کرد تا با حفظ یک پارچگی کشور و برقراری امنیت و نظم، منافع مورد نظر دو دولت انگلستان و شوروی را نیز تأمین کند. (فوران، ۱۳۷۸: ۳۰۴)

### اقدامات داخلی رضا خان

رضا خان اهداف بلند پروازانه ای را دنبال می کرد، وی علاوه بر برخورداری از شرایط مساعد بین المللی به لحاظ داخلی نیز دست به اقداماتی زد تا زمینه را برای دست یابی به قدرت مطلق در ایران فراهم سازد. او برای رسیدن به این هدف سه مسأله را مورد توجه قرار داد: ۱- تسلط کامل بر ارتش ۲- کنترل و نفوذ در مجلس شورای ملی ۳- جلب نظر مردم و روحانیون.

تسلط بر ارتش: رضاخان که مهمترین راه کسب قدرت در ایران را ایجاد ارتشی منظم و وابسته به خود می دانست تمام تلاش خود را برای تقویت نهاد های کلیدی و تأمین هزینه های ارتش معطوف ساخت. (فوران، ۳۰۵) او می دانست با توجه به شرایط نامساعد مالی نیروهای نظامی، با تأمین هزینه های آنان می تواند اعتمادشان را جلب و آن ها را تحت نفوذ خود قرار دهد. (همان، ۳۰۷) اما با توجه به شرایط نامناسب اقتصادی کشور و مشکلات مالی فراوانی که دولت های وقت با آن روبرو بودند، وزارت جنگ بودجه لازم را برای این کار در اختیار نداشت. رضاخان توانست با استفاده از منابع مستقل مالی چون در آمد زمین های دولتی و مالیات های غیر مستقیم به تأمین هزینه های فراوان ارتش بپردازد و ماشین جنگی خود را به لحاظ مالی در وضعیت مناسبی قرار دهد. (ابراهیمان، ۱۴۹) از دیگر اقدامات رضا خان هماهنگ





ساختن نیروهای نظامی (قزاق و ژاندارم و سایر نیروها) در کشور بود. در اولین اقدام او با انتقال ژاندارمری از وزارت داخله به وزارت جنگ، از اهمیت نیروی ژاندارم کاست و شورش‌هایی که توسط عوامل ژاندارمری ایجاد شده بود چون شورش سرگرد لاهوتی در تبریز و کلنل پسیان در مشهد را با شدت سرکوب کرد. (همان، ۱۴۸) پس از این با انحلال ژاندارمری، نیروهای قزاق، ژاندارم و سایر نظامیان را در ارتش جدید با لباس‌های متحدالشکل ادغام کرد. این ارتش از پنج لشکر تشکیل شده بود و حدود چهل هزار نفر نیرو داشت. (بهار، ۱۸۱)

کنترل و نفوذ در مجلس شورای ملی: رضاخان در برابر مجلس شورای ملی و نمایندگان رفتار محتاطانه‌ای در پیش گرفت زیرا می‌دانست که با جلب نظر نمایندگان و کنترل و نفوذ در مجلس می‌تواند بسیاری از کارها را انجام دهد. (بهار، ۳۰) او در دوره چهارم مجلس شورای ملی ایران با رفتاری متظاهرانه خود را مطیع مصوبات مجلس نشان داد و توانست حمایت بسیاری از نمایندگان را جلب کند. اما مخالفت‌هایی نیز علیه او در مجلس وجود داشت به همین جهت رضاخان تمام سعی و تلاش خود را به کار برد تا با دخالت در انتخابات مجلس پنجم، عناصر وابسته و مورد نظر خود را به مجلس وارد و با کمک آن‌ها کارها را پیش ببرد. وی اگرچه در تهران نتوانست کار چندانی صورت دهد اما در سایر شهرها با کمک عوامل خود انتخابات را به نفع خود پیش برد و طرفدارانش به عنوان نمایندگان منتخب راهی مجلس شدند. (مستوفی، ۱۳۷۷: ۵۸۳)

جلب نظر مردم و روحانیون: رضاخان از هر فرصتی برای جلب رضایت عامه مردم و روحانیون استفاده می‌کرد، او در زمان ریاست‌الوزرای مشیرالدوله در هنگام عزاداری محرم در روز عاشورا همراه با دسته‌ای قزاق در بازار به عزاداری پرداخت، کاه بر سر خود ریخت و در مجالس روضه خوانی شرکت کرد، زیرا می‌دانست که چنین تظاهرات مذهبی تأثیر مناسبی بر عامه مردم دارد. (بهار، ج ۲، ۱۸۳) در همین ایام دولت



انگلیس با تحریک علمای سنی عراق تصمیم گرفت تا علما و بزرگان شیعه را که بر خلاف منافع انگلستان عمل می‌کردند، از عراق اخراج کند، اکثر این علما به ایران تبعید شده و از قصر شیرین به ایران وارد شدند. در میان آن‌ها برخی از مراجع بزرگ شیعه چون آیت‌... سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌... حاج میرزا حسین نائینی حضور داشتند که پیروان فراوانی در میان ایرانیان داشتند. دولت ایران با توجه به نفوذ معنوی فراوان این مراجع در ایران با شایستگی از آن‌ها پذیرایی کرد و آنان را در قم مستقر ساخت. رضا خان که سعی داشت از این موقعیت به بهترین شکل استفاده کند، تلاش فراوانی در پذیرایی از این علما داشت، چندین بار به قم مسافرت کرد و موفق شد نظر برخی از آنان را به سوی خود جلب کند. (هدایت، ۳۶۸)

### ریاست الوزرایی رضا خان

پس از پایان مجلس چهارم، رضا خان با توجه به حمایت‌هایی که از او می‌شد درصدد بر آمد تا به ریاست الوزرایی دست پیدا کند به همین جهت زمینه را برای استعفای دولت مشیرالدوله فراهم ساخت. چون احتمال داشت بار دیگر از قوام السلطنه برای تشکیل کابینه استفاده شود، رضا خان، قوام السلطنه را به جرم همکاری برای ترور سردار سپه، دستگیر کرد و بدین شکل رقیب احتمالی خود را از دور خارج ساخت. (همان، ۳۵۸) با این مقدمات چند روز پس از استعفای مشیرالدوله در اول آبان ۱۳۰۲، رضاخان بر طبق فرمان احمد شاه به ریاست الوزرایی برگزیده شد. کابینه اول رضاخان شصت و ششمین کابینه دوران مشروطیت بود. در این کابینه وی وزارت جنگ را در اختیار گرفت. سایر اعضای کابینه به این شرح بودند: ذکاء الملک فروغی وزیر امور خارجه، مدیر الملک (محمود جم) وزیر مالیه، سلیمان میرزا اسکندری وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، خدایار خان وزیر پست و تلگراف، معاضد السلطنه وزیر عدلیه و میرزا قاسم خان صور کفیل وزارت داخله. پس از اعلام کابینه، احمد شاه در

اواخر آبان ۱۳۰۲ برای سومین بار به اروپا سفر کرد و محمد حسن میرزای ولیعهد به نیابت سلطنت انتخاب شد. (مکی، ۱۳۶۲: ۲۴۲)

با خارج شدن احمد شاه از کشور عرصه‌ی مناسبی برای فعالیت‌های رضا خان فراهم شد. رضا خان با اعمال نفوذ در انتخابات مجلس پنجم گروه هماهنگی از طرفداران خود را به عنوان نمایندگان منتخب راهی مجلس ساخت. (مستوفی، ۵۸۳) این منتخبین در مجلس حزب تجدد را ایجاد کردند و توانستند در جلسات اولیه مجلس اکثریت قاطع را به دست بیاورند در کنار این گروه، گروه کوچک تری از روشنفکران و آزادیخواهان نیز در مجلس حضور داشتند که وجود رضا خان را برای تأمین نظم و امنیت کشور ضروری می‌دانستند و از او حمایت می‌کردند. بدین شکل ترکیب مجلس پنجم به گونه‌ی بی‌بود که اوضاع را مطابق میل سردار سپه پیش می‌برد. (بهار، ج ۲، ۲۷).

### زمینه چینی برای تغییر سلطنت

با توجه به حضور احمد شاه در اروپا و نارضایتی مردم از عملکرد او کم‌کم زمزمه‌های جمهوری خواهی بلند شد و حزب تجدد نیز از همان ابتدا در تلاش بود تا لایحه جمهوریت را در مجلس به تصویب برساند. (همان، ۲۸) رضا خان هم که در صدد برکناری احمد شاه بود از این مسأله حمایت می‌کرد. با جدی‌تر شدن این مسأله به تدریج موافقان و مخالفان جمهوری خواهی در برابر هم قرار گرفتند. در مجلس، آیت‌... مدرس که رهبری اقلیت را بر عهده داشت در مخالفت با این مسأله در مقابل حزب تجدد قرار گرفت. در یکی از همین روزها در جریان سخنرانی آیت‌... مدرس، اعضای حزب تجدد مجلس را ترک کردند و در زمان استراحت حسین بهرامی (احیاءالسلطنه) یکی از اعضای این حزب که از سخنان

آیت‌... مدرس بسیار ناراحت بود به صورت آیت‌... مدرس سیلی زد. با انتشار این





خبر در سطح شهر مخالفت‌های شدیدی علیه جمهوری خواهی ایجاد و موافقان و مخالفان جمهوری در برابر هم قرار گرفتند. (هدایت، ۳۶۲) روز دوم فروردین ۱۳۰۳ شمسی در جلوی ساختمان مجلس میان موافقین و مخالفین جمهوری خواهی درگیری شدیدی رخ داد، رضاخان و نیروهای او با دخالت در این مسأله با مخالفان جمهوری خواهی درگیر و به ضرب و شتم آن‌ها پرداختند. (همان، ۳۶۳) پس از این ماجرا و دخالت نظامی رضاخان به نفع جمهوری خواهی، در مجلس مخالفت‌ها افزایش یافت و اکثریت مجلس از دست حزب تجدد خارج شد. (بهار، ۵۸) با توجه به مخالفت‌های شدیدی که علیه این مسأله به وجود آمده بود رضاخان نیز طی بیانیه‌ای «از تقاضای جمهوریت صرف نظر کرد». اقدامات رضاخان در سرکوب مخالفان جمهوری در اروپا به گوش احمد شاه رسید و او طی تلگرافی خواهان برکناری سردار سپه از مقام ریاست‌الوزرای شد: «... که رئیس‌الوزرا به مناسبت این اقدامات دیگر طرف اعتماد شاه نیست و اگر مجلس با این نظر موافقت داشته باشد دیگری را که طرف اعتماد باشد برای این مقام و تشکیل دولت معرفی نمایند». با انتشار این تلگراف، رضاخان که در موقعیت نامناسبی قرار گرفته بود روز دوشنبه ۱۸ فروردین از مقام خود استعفا داد و به بومهن رفت. (همان، ۶۴)

پس از این رضاخان اگرچه از صحنه سیاسی ایران خارج شد، اما همکارانش در وزارت جنگ با هماهنگی کامل فعالیت‌های خود را برای بازگشت مجدد رضاخان آغاز کردند. آنان با ارسال تلگراف، امرای نظامی در سایر شهرها را علیه مجلس تحریک می‌کردند و این امر نیز با فرستادن تلگراف‌هایی به مجلس، تهدید می‌کردند که در صورتی که رضاخان باز نگردد سپاهیان تحت فرمان خود را به سمت تهران حرکت می‌دهند. در تهران هم نیروهای نظامی به صورت مستقیم و غیر مستقیم، مجلس و نمایندگان را مورد تهدید قرار می‌دادند. (همان، ۶۵) در پی این تهدیدات، نمایندگان تصمیم گرفتند تا گروهی را مرکب از سلیمان میرزا، تدین، مصدق و چند



نفر دیگر برای مذاکره با رضا خان به بومهن بفرستند. در ۲۱ فروردین این افراد در بومهن تمایل مجلس برای ادامه کار رضاخان در مقام ریاست الوزرایی را به اطلاع او رسانیدند. رضا خان که خود از تمامی ماجراها آگاه بود ابتدا در قبول این مقام تردید داشت اما سرانجام پذیرفت و در ۲۲ فروردین به تهران بازگشت و دو روز بعد نیز با حضور در مجلس کابینه جدید خود را معرفی کرد. (مکی، ۵۶۰)

### انتقال قدرت از قاجار به پهلوی

رضا خان که تا این زمان در پیشبرد اهداف خود بسیار موفق بود با توجه به قدرتی که در اختیار داشت در پی آن بود تا مخالفان خود را به نوعی ساکت کند. عشقی، از مخالفان سردار سپه به قتل رسید. (هدایت، ۳۶۰) پس از این ظاهراً در جریان یک آشوب خیابانی مازور ایمبری کنسول آمریکایی توسط مردم کشته شد (دولت آبادی، ۲۶۵) و اکثریت مجلس، آیت ... مدرس و گروه اقلیت مجلس را در این ماجرا مقصر دانستند. پس از این، دولت اعلان حکومت نظامی کرد و با تعطیل کردن روزنامه های مخالف به دستگیر کردن « معاریف محلات و بازار و سیاسیون » پرداخت. (بهار، ۱۲۷) با توجه به چنین اقداماتی، مدرس به همراه تنی چند از اعضای اقلیت چون حائری زاده، اخگر و ملک الشعراء، به دلایل زیرخواستار استیضاح رضاخان شدند: «۱- سوء سیاست نسبت به داخله و خارجه - ۲- قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین به مجلس شورای ملی - ۳- تحویل ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه دولت و بودجه وزارت جنگ». (همان، ۳۳) اما از آنجا که اکثریت مجلس در اختیار طرفداران رضاخان بود، مدرس و دوستان او به نتیجه یی نرسیدند و مجلس به رضا خان رأی اعتماد داد. (همان، ۱۴۳)

در اواخر کار مجلس پنجم، اکثریت نمایندگان با توجه به عملکرد ضعیف خاندان قاجار و حضور شاه در اروپا در برابر خاندان قاجار قرار گرفته بودند و از گوشه و کنار



کشور نیز درخواست‌های متعددی مبنی بر برکناری احمد شاه به مجلس می‌رسید و روزنامه‌ها نیز با حرارت فراوان به این موضوع می‌پرداختند، سرانجام مجلس در اوایل آبان ماه ۱۳۰۴ رأی به انقراض سلطنت قاجار داد و مصوب کرد تا باتشکیل مجلس مؤسسان درباره آینده کشور تصمیم‌گیری شود، مجلس همچنین تا پایان کار مجلس مؤسسان، حکومت موقت کشور را به رضا خان سپرد. (امیر طهماسب، ۱۳۵۵: ۲۲۵) در ۱۵ آذر ۱۳۰۴ انتخابات مجلس مؤسسان برگزار و منتخبین مجلس مؤسسان پس از چندین جلسه مذاکره سرانجام در روز ۲۱ آذر ۱۳۰۴ با اصلاح اصول سه‌گانه ((۳۶، ۳۷ و ۳۸))<sup>۳</sup> متمم قانون اساسی، با اکثریت کامل سلطنت ایران را به رضا خان پهلوی و خاندان او واگذار کردند. (مکی، ۵۸۶)



۳. اصل ۳۶: سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت به وسیله مجلس مؤسسان به شخص اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسلاً بعد از نسل برقرار خواهد بود. اصل ۳۷: ولایت عهد با پسر بزرگتر شاهنشاه ایرانی الاصل باشد خواهد بود. در صورتی که پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد، تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی به عمل خواهد آمد. مشروط بر این که ولیعهد از خانواده قاجار نباشد. ولی در هر موقعی که پسری برای شاه به وجود آید، حقا ولایتعهد با او خواهد بود. اصل ۳۸: در موقع انتقال سلطنت، ولیعهد وقتی می‌تواند شخصا امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال شمسی باشد: اگر به این سن نرسیده باشد، نایب السلطنه ای غیر از خانواده قاجار از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد.

## نتیجه گیری

قدرت گیری رضا شاه را می بایست محصولی از اوضاع داخلی جامعه آن زمان و نیز دخالت های خارجی در امور ایران دانست. انقلاب مشروطه با این هدف به وقوع پیوست که بتواند اوضاع داخلی را سر و سامان بخشد اما هیچ گاه به هدف خود نرسید؛ لذا نتیجه ای که از آن حاصل شد چیزی جز هرج و مرج و ناامنی در کشور نبود. وقوع جنگ جهانی اول نیز بر دامنه این هرج مرج ها افزود. آمال مردم این بود که فردی به این بی نظمی ها و آشفتگی ها پایان دهد. از طرفی دیگر، در سال ۱۹۱۷، روسیه در بحبوحه جنگ جهانی دچار انقلاب شده و ناچار گردید که نیروی های خود را از ایران بیرون راند. انگلستان که اکنون خود را در ایران تنها می دید و نیز هجوم بلشویک ها را تهدیدی برای منافع خود قلمداد می کرد، کوشید تا قرارداد ۱۹۱۹ را با ایران امضا کند که به موجب این قرارداد انگلستان اختیار امور مالی و نظامی کشور را در اختیار می گرفت. هدف انگلستان از این قرارداد ایجاد حکومتی بود تا بتواند امنیت را به کشور برگردانده و به تبع آن منافع انگلستان در ایران و همسایگان آن را تضمین بخشد. اما این قرارداد در نتیجه اعتراضات داخلی و خارجی به سرانجامی نرسید. لذا به ناچار راه دیگری را برگزید و آن حمایت از ایجاد حکومت مرکزی نیرومند بدست نیروهای داخلی، بدون دخالت مستقیم انگلستان بود. رضا خان در چنین زمانه ای توانست قدرت را از آن خود کند. در ابتدا رضاخان بر ارتش مسلط گردید و سعی کرد که با عناصر وابسته و مورد نظر خود در مجلس شورای ملی نفوذ و کنترل کند. سپس سعی داشت تا با برخی از اقدامات مردم پسند (مانند شرکت در عزاداری ها و ...) نظر مردم و خصوصاً روحانیون را به خود جلب کند. سرانجام بعد از تلاش ناموفقی که در ایجاد جمهوریت در ایران داشت، توانست با خلع احمد شاه از پادشاهی، خود بر جای او بنشیند.





## منابع و مأخذ

- ۱) آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷.
- ۲) مکی، حسین، زندگانی سیاسی سلطان احمد شاه، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲، مکی.
- ۳) زرگر، علی اصغر، تاریخ روابط سیاسی ایران وانگلیس در دوره رضا شاه، ترجمه کاوه بیات، تهران، انتشارات پروین - معین، ۱۳۷۲.
- ۴) آوری، پیتر، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۶۳، جلد اول.
- ۵) بهار، محمد تقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، تهران، شرکت سهامی کتاب جیبی با همکاری مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۷ جلد دوم.
- ۶) کاتوزیان، محمد علی، اقتصاد سیاسی، ترجمه محمد رضا نفیسی، تهران، انتشارات پایپروس، ۱۳۶۶، جلد اول.
- ۷) مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۷ تاریخ بیست ساله، جلد اول.
- ۸) دولت آبادی، یحیی، دولت آبادی، یحیی، حیات یحیی، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲، جلد چهارم.
- ۹) بهار، محمد تقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، تهران، شرکت سهامی کتاب جیبی با همکاری مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۷، جلد اول.
- ۱۰) هدایت، مهدی قلی خان، خاطرات و خطرات، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۳.
- ۱۱) فوران، جان، مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال های پس از انقلاب اسلامی)، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸.
- ۱۲) مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، جلد سوم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۷.
- ۱۳) امیر طهماسب، عبدالله، تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضا شاه پهلوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.

